

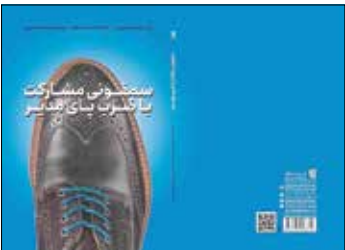
انتشار کتاب

«سمفونی مشارکت با ضرب پای مدیر»

کتاب «سمفونی مشارکت با ضرب پای مدیر» نوشته افسانه شفیعی، فائزه هدایت‌نظری و فرهاد صفدرپور به‌تازگی توسط انتشارات مه‌کامه منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب درباره رفتار سازمانی، کارکنان، رهبری و مدیریت است. این کتاب درصدد است با مقایسه هردو روش رهبری در قالب یک طیف و معرفی مثال‌های واقعی از هر روش، بینشی علمی-اجرایی در اختیار آن دسته افراد قرار دهد که درصددند با

بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت نیروی انسانی سازمان خود، هم به انجام امور بپردازند و هم تحول مستمر را در سازمان رقم بزنند. فصل اول کتاب به بررسی الگوهای نظری تحول سازمان می‌پردازد و در آن اهم الگوهای معرفی شده درخصوص تحول سازمان معرفی و بررسی می‌شود. فصل دوم الگوهای نظری رهبری سازمان و همچنین ابعاد رهبری سازمان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. فصل سوم هم به بررسی الگوی

پیااده سازی رهبری مشارکتی از رویکرد «محدود» تا «بسیط» در سازمان می‌پردازد. پس از آن و در فصل چهارم تحول آفرینی سازمانی از طریق پیاده‌سازی رهبری مشارکتی مد نظر قرار می‌گیرد. نهایتاً در فصل پنجم، پیش‌شرط‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی تحول آفرینی سازمانی ازمنظر رهبری مشارکتی به‌تفصیل بحث و بیان شده است. این کتاب با ۱۷۵ صفحه و قیمت ۱۶۵ هزار تومان عرضه شده است.



موانع مدیریتی کتابخوانی

با پایان هفته کتاب، با کامران شرفشاهی مشکلات نشر و برگزاری رویدادهای نمایشی در حوزه کتاب را بررسی کردیم



ارش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

هفته کتاب و کتابخوانی به پایان رسید و از برآیند برگزاری چنین رویدادهای مهمی که هزینه بسیاری برای آنها می‌شود، هیچ‌گاه آمار و مستنداتنی انتشار نمی‌یابد. برپیراه نیست اگر بگویم بازار نشر و کتاب به‌عنوان مهم‌ترین کالای فرهنگی کشور این روزها حال خوبی ندارد. از یک طرف قیمت کتاب در کتاب‌فروشی‌ها سر به فلک کشیده است و از طرف دیگر کتابخانه‌های عمومی کشور با مشکلات کوچک و بزرگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. وقتی که به مسأله نشر نگاه کنیم متوجه می‌شویم که این مشکل مربوط به چند سال اخیر هم نمی‌شود و ریشه‌ای عمیق‌تر دارد. به همین بهانه با کامران شرفشاهی، شاعر و مدیر انتشارات تجلی‌مهر که تجربه مدیریت رویدادهای فرهنگی همچون دبیری جشنواره‌های ادبی قلم‌رزین را بر عهده داشته گفت‌وگو کردیم تا مسائل و مشکلات حوزه کتاب و بازار نشر را مورد بررسی قرار دهیم.

❏ مشکل اصلی حوزه نشر و کتاب به‌خصوص کتب ادبی به نظر شما کجاست؟

من معتقدم که علی‌رغم شعارهای فراوانی که از سوی مسئولان طی این سال‌ها شنیده شده اما عملاً این اشخاص نسبت به اشاعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی افراد باورمندی نبوده و نیستند. مشکل اول ما در زمینه مسأله ترویج فرهنگ کتابخوانی درواقع مدیریت فرهنگی ناکارآمد جامعه ماست. برای ترویج فرهنگ کتابخوانی می‌بایست که ما در زمینه‌های مختلف دارای برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشیم که به‌گواه چند دهه اخیر شاهد چنین واقعیتی نبودیم. صرفاً هر سال طی مناسبت‌هایی مثل هفته کتاب یا نمایشگاه کتاب یک‌سری شعارهای تازه و حرف‌های پوشالی تحویل جامعه داده شده و به این لحاظ ما هر سال نسبت به گذشته اگر عمیق‌تر و دقیق‌تر نگاه کنیم شاهدیم که از فاصله عقب افتاده‌ایم و فرصت‌های سوخته فراوانی روی دست ما مانده؛ فرصت‌هایی که با کمال تأسف می‌توان گفت که جبران‌ناپذیر هستند.

❏ با فرض این‌که مسئولان کسانی بودند که به این حوزه اعتقاد داشتند و می‌خواستند کاری کنند، به نظر شما مشکل اصلی کار در این حوزه چیست و اولین جایی که باید اصلاح کنند کجاست؟

اولین نقطه قطعاً یک خانه‌تکانی در مدیریت فرهنگی است و می‌بایست از اشخاصی دعوت کنند به‌واقع دغدغه کتاب داشته باشند و برای این کار وقت بگذارند. مشکل اصلی فرهنگ ما این است که دچار بروکراسی و کارمندسالاری شده. در نهادهای و ارگان‌های مرتبط با مسأله کتابخوانی وقتی وارد می‌شویم، می‌بینیم اشخاصی هستند که اینها صرفاً کارمندند و طی سالیان گذشته به‌واسطه خلأیی که وجود داشته بالا آمده‌اند و در رأس کار قرار گرفته‌اند. این افراد نه می‌توانند با پدیدآورندگان و ناشران کتاب تعامل داشته باشند و مشکلات آنها را برطرف کنند، نه در حوزه توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها میل و رغبتی دارند و نه اتاق فکرهایی تشکیل می‌دهند که از اهل کتاب بهره ببرند و ایده آنها را به عرصه ظهور برسانند.

قدم اول و مهم‌ترین قدم به اعتقاد من، دعوت از اشخاصی است که این مسأله برای آنها به مفهوم عمیق و کامل کلمه مهم باشد. بر این باورم که چنین اشخاصی در جامعه کم نیستند، ما با مشکل قحط‌الرجال روبه‌رو نیستیم اما شوربختانه کارها و امور به دست کسانی سپرده شده که اینها هیچ نسبت و سختی‌با با مسأله کتاب ندارند.

❏ جالب است که این افراد در دولت‌ها با سلیقه‌های سیاسی مختلف همیشه هستند و حضور دارند.

بله؛ مثلی هست که سال‌ها ذکر می‌شد که هرکسی بیاید یک اتوبوس با خود به وزارتخانه می‌آورد. گاهی اوقات لپچه وزارتخانه هم عوض می‌شود و با رفتن مسئولانی که این افراد را آورده‌اند و اکثراً هم نسبت‌های فامیلی دارند آنها می‌مانند، ارتقا پیدا می‌کنند و رسمی هم هستند.

رویداد

آثار ایرانی در نمایشگاه کتاب کویت

نمایشگاه بین‌المللی کتاب کویت با حضور ناشران ۳۱ کشور جهان از جمله ایران آغاز به کار کرده است

چهل و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب کویت تحت نظارت شیخ احمد العبدل...الصباح، نخست‌وزیر کویت و باحضور عبدالرحمن

المطیری، وزیر فرهنگ و اطلاعات‌سانی و سفیر کشورمان در کویت و جمعی از سفرا و نمایندگان خارجی در این کشور و فرهیختگان و ناشران در محل دائمی نمایشگاه‌های کویت گشایش یافت.

در این دوره از نمایشگاه کویت علاوه بر ۵۶۰ ناشر در قالب ۴۰۰ غرفه از ۳۱ کشور جهان، تعدادی از غرفه‌های ایرانی تازه‌ترین آثار نویسندگان برجسته کشورمان را به زبان عربی و فارسی عرضه کرده‌اند که مورد استقبال بازدیدکنندگان عرب قرار گرفته است.

محمد توتونچی، سفیر ایران در کویت، در گفت‌وگو با ناشران ایرانی شرکت‌کننده، در جریان مشکلات و نیازهای آنها قرار گرفت. این نمایشگاه به مدت ۱۰ روز برای علاقه‌مندان باز است.



«انفجار بمب در خانه بابابزرگ»

کتاب «انفجار بمب در خانه بابابزرگ» نوشته حمیدرضا داداشی توسط نشر نسیما منتشر و راهی بازار نشر شد.

این کتاب مانند اغلب نوشته‌های حمیدرضا داداشی روایتی نوجوانانه دارد و تلاش می‌کند در خلال روایت داستانی به برخی از مسائل ذهنی

این قشر پاسخ دهد. این کتاب شامل ۱۹ داستان پیوسته است که با درونمایه‌های سبک زندگی اجتماعی، مذهبی و ایرانی نوشته شده و رگه‌هایی از طنز دارد. داستان‌های این کتاب از زبان «امیر» پسر نوجوان خانواده روایت می‌شود.

در هر داستان ماجراهای جالبی اتفاق می‌افتد که مواجهه با این اتفاق‌ها و افراد مرتبط با آن، امیر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و بر تجربیاتش می‌افزاید. انفجار بمب در خانه بابابزرگ، باباها پنهان‌کاری را دوست دارند، فرود فرشته نجات با بال‌های بابای مدرسه، مامان‌جون؛ چشم‌کف پاش؛، روکم‌کی راننده یک سفینه فضایی، اولین درس مدرسه و ماهی‌گیری در ترافیک صبحگاهی از جمله عناوین تعدادی از داستان‌های این مجموعه است. این کتاب با ۹۶ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۵۰ هزار تومان عرضه شده است.

برش

لجبازی و معضل کتاب

در گذشته سیاست‌های حمایتی از سوی وزارت ارشاد وجود داشت، مثلاً بخش تازه‌های کتاب بود که ۵۰ نسخه کتاب‌های چاپ اول را می‌خریدند که همه برچیده شد.

دیگر شاهد آن سیاست‌های حمایتی گذشته نیستیم، اکنون نیز علی‌رغم این‌که بزرگان هم خیلی تأکید دارند که به این آشفته‌بازار سامان دهید ولی این سفارش‌ها و توصیه‌ها نتنها عملی نمی‌شود، بلکه انگار یک لجبازی وجود دارد که اوضاع بدتر شود. الان هم قیمت کتاب به نقطه‌ای رسیده که خیلی از افراد توان خرید ندارند، چون خریداران کتاب اغلب نوجوانان و جوانان هستند.

❏ یکی از اضلاع مهم حوزه کتابخوانی، کتابخانه مدارس است که هیچ‌وقت جدی گرفته نشده است.

در خصوص کتابخانه‌های مدارس خیلی صحبت شده ولی آموزش‌وپرورش ما نتوانسته در این زمینه موفق عمل کند. خود من چند سال پیش کتابخانه مدرسه بسرم را که مدرسه دولتی هم بود فهرست نویسی و آنجا را منظم کردم. یک‌سال بعد که مدیر مدرسه تغییر کرد دیدم که مدیر جدید دستور داده کتاب‌ها را در انباری روی هم بریزند. این نشان می‌دهد که واقعاً آموزش‌وپرورش ما حتی اگر گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) بخواهند کمک کنند نظام آموزش ما برنامه هدافندی در این زمینه ندارد.

بحث دیگر کتابداران هستند؛ ما رشته‌ای داریم به نام کتابداری که رشته فوق‌العاده مهمی هم هست. در یکی از کشورهای پیشرفته دنیا بررسی کرده بودند که خیلی از شخصیت‌های برجسته از یک

منطقه برمی‌خیزند. برای آنها جالب بود و وقتی بررسی کردند متوجه شدند در آن منطقه کتابخانه‌ای وجود دارد و یک کتابدار علاقه‌مندی اشخاصی را که مراجعه می‌کنند استعدادسنجی می‌کند و کتاب‌های مرتبط با علاقه‌مندی افراد را به آنها می‌دهد و همین باعث رشد علمی و فرهنگی آن منطقه شده.

مدارس و آموزش و پرورش ما هنوز با مقوله کتابداری و کتابداران بیگانه هستند.



ادبیات

۱۱

LITERATURE

شنبه ۳ آذر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۹۱۴

اشخاصی که به‌عنوان کتابدار تحصیل می‌کنند بعد از فارغ‌التحصیلی به‌دنبال شغل هستند و این افراد ناگزیر می‌شوند در موقعیت‌هایی مشغول به کار شوند که هیچ ارتباطی با تخصص آنها ندارد. در طول سال‌هایی که سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران دچار بحران بود خوب به خاطر دارم که برای کتابخانه‌ها از اشخاص با سواد پایین استخدام می‌کردند و این افراد هیچ تخصص و آشنایی‌ای با کار کتابداری نداشتند. صرفاً این افراد را جذب می‌کردند و خیلی از آنها ماندگار شدند و به درجات بالای سازمان رسیدند. اصولاً ما با یک تشکیلاتی روبه‌رو هستیم که تخصص را نمی‌شناسد و برنامه‌های هوشمندانه‌ای در این زمینه ندارد.

❏ در ارشاد سامانه و شورایی برای خرید کتاب وجود دارد و گزارش این شورا منتشر می‌شود. گزارش چند دوره از این شورا را که خواندم، تقریباً ۹۰درصد کتاب‌هایی که می‌خرند و ناشرانی که از آنها خریداری می‌شود ناشرانی نیستند که ما به‌عنوان مخاطب کتاب به آنها علاقه داشته باشیم و اصلاً آن نشر را نمی‌شناسیم. نشری است که در فضای عمومی و در کتاب فروشی‌ها اسم شناخته‌شده‌ای نیست، ولی یکباره صد جلد کتاب از آن خریداری می‌شود و از ناشری که کتاب خوب منتشر می‌کند هیچ کتاب خریداری نمی‌شود. این پدیده چرا اصلاً به وجود می‌آید و چگونه می‌توان آن را رفع کرد؟

من خودبه‌عنوان مدیر انتشارات تجلی‌مهر سال‌ها بارشادو این شورا س‌رو کار داشتم. بارها می‌دیدم اشخاصی با چند جلد کتاب زیر بغل وارد اتاق فرهنگی می‌شوند. گذشته از بحث شورای کتاب از طریق چنین رابطه‌هایی هزار تا ۲۰۰۰ جلد به‌صورت امریه از این آقایان خریداری می‌شود. وقتی کتاب را نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید کتاب‌سازی شده، یعنی نه کتابی است که مورد نیاز جامعه باشد و نه جذابیتی دارد، اما صرفاً به‌واسطه رابطه و مسائل سیاسی از این افراد کتاب خریداری می‌شود.

من خودم بارها به انبارهای کتاب وزارت ارشاد سر زدم و دیدم اکثر کتاب‌هایی که آنجا انبار شده و قرار بود که به کتابخانه‌ها فرستاده شوند اکثراً کتاب‌هایی هستند که در واقع جنبه کتاب‌سازی دارند و هیچ نوآوری چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ فرم در این آثار دیده نمی‌شود. در صورتی‌که در همان دوران کتاب‌هایی تولید می‌کردیم که این آثار مجموعه شعر یک شاعر بود؛ یعنی یک کار کاملاً تولیدی بود که نمونه آن در بازار نداشت. اما می‌دیدیم که شورا نسبت به این کارها بی‌اعتناست و خریداری نمی‌کند. به عبارت دیگر یعنی شورا و وزارت ارشاد از این تیپ کارها حمایت نمی‌کند و معلوم است وقتی که شاعری کار خوب تولید کند و حمایت نشود رفته‌رفته دلسرد می‌شود. این گوشه‌ای از مشکلاتی است که ناشران و پدیدآورندگان کتاب با آن دست به گریبان هستند. به‌عنوان مثال اگر به قیمت کتاب نگاه کنیم می‌بینیم که همچنان رو به افزایش است.

❏ این مسأله هم بیشتر تحت تأثیر قیمت کاغذ است دیگر؟

عوامل متعددی دخیل هستند؛ من یاد جمله‌ای افتادم از مرحوم استاد محمدرضا حکیمی که می‌گفتند قبل از انقلاب با دوستان که می‌نشتسیم آرزوی ما این بود که در جامعه اگر روزی به قدرت رسیدیم دو چیز رایگان باشد: نان و کتاب. حالا اما می‌بینیم که هردوی اینها برعکس شده‌اند. الان بازار کاغذ درست چسبیده به وزارت ارشاد است و یک بازارسیاه و مافیایی هم هست که شکل پیچیده‌ای پیدا کرده. اصولاً توزیع کاغذ و ملزومات صنعت چاپ و بارانه‌هایی که تعلق گرفته طی این سال‌ها یک شیوه بیمارگونه بوده و سود آن به‌جای این‌که به پدیدآورنده کتاب یا ناشر برسد به جیب دلال‌ها و کسانی که بازارسیاه کاغذ و ملزومات صنعت چاپ را در اختیار دارند سرسازیم می‌شود. کاغذ دولتی هم که گفته می‌شود به دست ناشر نمی‌رسد که تبدیل به کتاب شود و همان کاغذ هم وارد چرخه بازارسیاه کاغذ می‌گردد.

قاب مقاومت



بالاخره یک نهاد بین‌المللی کاری کرد!

حکم دادگاه لاهه مبنی بر جنایتکار بودن نتانیاهو و گانتت، نخست‌وزیر و وزیر جنگ رژیم اشغالگر صهیونیستی، شاید تنها نکته مثبت مجامع بین‌المللی در یک سال جنایت جنگی اسرائیلی‌ها در فلسطین اشغالی و لبنان باشد؛ از همین رو این موضوع مورد توجه نواف الملاکارتونیست نامدار جهان عرب قرار گرفته است. او در طرح خود نشان می‌دهد که چگونه حتی چنین حکم‌هایی هم از سوی آمریکایی‌ها که حامی اصلی اسرائیل هستند برنافته نمی‌شود.